

پیشگفتار

نظام‌های بانکی در دنیا، هم در اقتصادهای داخلی و هم در سطح بین‌الملل، دوره‌های متفاوتی را به لحاظ تحولات پشت سر گذاشته‌اند. اگر از بحث داخلی کشورها به دلیل گسترده بودن موضوعات تک تک آنها صرف نظر کنیم می‌توان گفت در سطح بین‌الملل و بعد از جنگ جهانی دوم تا دهه ۱۹۷۰ میلادی، بانکداری یک حرفه نسبتاً سنتی و با ثباتی بوده و بیشترین و بزرگ‌ترین ورشکستگی‌های بانکی مربوط به همان دوره رکود بزرگ بوده است. به عبارت دقیق‌تر، بسیاری از بانکداران و محققان بر این باورند که در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی تغییرات چندانی مهمی در استراتژی‌ها و حرفه بانکداری رخ نداده است. اما بعد از این دوره و در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی نظام‌های بانکی جهان فراز و نشیب‌های مختلفی را پشت سر گذاشته و تحت تأثیر دو نیروی کلیدی «مقررات زدایی» و «خصوصی‌سازی» و حرکت به سمت فضای قوی رقابتی قرار گرفته‌اند. در طول سال‌های سپری شده از قرن بیست و یکم نیز روند تحولات نظام‌های بانکی وارد مرحله جدیدی شده و ضمن تغییر استراتژی‌های مختلف بانکی، رخدادهایی مانند هم‌گرایی نظام‌های بانکی، ظهور انواع متنوع و آبر شرکت‌های بانکی و از همه مهم‌تر، نیرویی که «فناوری نوین و ابزارهای جدید مالی» به تحولات بانکی وارد کرده، این کسب‌وکار را به شکل ملموسی تحت تأثیر قرار داده است.

اما نکته مهم این است که همه کشورهای جهان اعم از توسعه‌یافته، در حال گذار و در حال توسعه به یک میزان در معرض تحولات فوق‌تر قرار نگرفته‌اند و ابعاد مهم بانکداری اعم از ساختار، عملکرد، به کارگیری فناوری، مقررات و قواعد نظارتی در کشورهای مختلف، تجارب متفاوتی را داشته است. روشن است در چنین حالتی اقتصادهای ملی آنها نیز به طور متفاوتی با عواقب مثبت و یا منفی این تحولات مواجه شده‌اند.

از این رو، به منظور شناخت دانشجویان و محققان از این روند بسیار مهم، کتاب در هفت فصل به گونه‌ای تنظیم شده است تا همه فرایندهای فوق برای

کشورهای خاص و یا گروهی از کشورها مورد بررسی قرار گیرد. شایان ذکر است که در فصل اول با مطرح کردن مفاهیم پایه‌ای نظام‌های بانکی، زمینه برای ورود به بحث فراهم می‌شود و در فصل دوم نیز با اختصاص یک بحث تفصیلی در مورد انواع نهادهای بانکی، خواننده با اطلاعات گسترده‌ای در این خصوص آشنا می‌شود. در فصل سوم که به عنوان یک فصل محوری برای این کتاب مطرح است عمده ویژگی‌های قابل مقایسه نظام‌های بانکی به همراه ابعاد نظری و کمی آن معرفی می‌گردد. به کمک فصل مزبور، در فصول چهارم تا هفتم، نظام‌های بانکی کشورها و مناطق مختلف جهان بر اساس شاخص‌های معرفی شده مورد بررسی قرار می‌گیرد. نکته بسیار مهم از نظر نگارنده در خصوص این فصول آن است که علی‌رغم ضرورت استفاده از آمار و ارقام برای انتقال بهتر مطالب، سعی شده است تا حد امکان، آمار و ارقام تنها پایه تحلیل‌های علمی در این فصول قرار نگیرد تا گذر زمان باعث خدشه‌دار شدن مباحث اصلی کتاب نشود.

در پایان بر خود فرض می‌دانم که از جناب آقای دکتر مرتضی عزتی، مدیر محترم گروه اقتصاد سازمان «سمت»، و همچنین شورای محترم نظارت سازمان که فرصت این تلاش علمی را برای اینجانب فراهم کردند صمیمانه تقدیر و تشکر نمایم. امید است که این اثر توانسته باشد گامی هر چند کوچک در خدمت به جامعه دانشگاهی کشور بردارد.

ابراهیم رضائی

پاییز ۱۳۹۴